

پژوهش و تحلیل اقتصادی در پیوند فابریکه نساجی گل‌بهار (Gulbahar Textiel Factory)



دبیاچه

پژوهش و تحلیل اقتصادی در پیوند فابریکه نساجی گل‌بهار در واقع تلاشی‌ست برای روشن شدن سرنوشت بزرگترین و نخستین نهاد تولیدی در روند صنعتی شدن افغانستان !

برای رسیدن به این منظور، در نخست به بیان پیشینه؛ سرگذشت و توصیف وضع موجود فابریکه پرداخته می‌شود. سپس با نگرش ارزشی به فابریکه نگریسته شده؛ پس از آن نتیجه‌گیری انجام و پیش‌نهادهای تخصصی و توصیه‌ی اقتصادی پیشکش می‌گردد. پژوهش و تحلیل اقتصادی با ابراز سخن آخر به پایان می‌رسد.

پیشینه‌ی فابریکه نساجی گل‌بهار

پیش از پرداختن به پیشینه‌ی فابریکه نساجی گل‌بهار سزاوار یادآوری‌ست که پوشاک یکی از سه مورد نیاز اساسی انسان (خوراک، پوشاک و سرپناه) است. چنان‌که از تاریخ می‌دانیم، بشر از گذشته‌های دور (هزاران سال پیش) پوشاک خود را از برگ درختان، پشم و پوست حیوانات بدست می‌آورد. چنان‌که گفته شده، حدود شش‌هزار و پانصد سال پیش آریایی‌ها از شمال خراسان زمین برای پوشاک خود از پشم گوسفندان با دست می‌ریسیدند و می‌بافتند. پس از گذشت سده‌ها فن بافندگی با نخ پنبه‌ی و ابریشم همراه شده و با گذشت زمان شکل ماشینی را بخود گرفته است. نخستین بار در سال ۱۷۳۳ ترسای دانش‌مندان اروپایی بنام جانکی دست‌گاه نساجی را ایجاد و اختراع کرد و در سال‌های پس از آن دانش‌مندان مخترع ماشین نساجی ادموند کارت و جیمیز، با اختراع نیروی بخار و سپس شارل ماری ژرکارت و در سال ۱۸۶۶ پاکستون و شرمون و در سال ۱۸۷۱ ویلیام چی در امریکا دست‌گاه بافت را به پایه اكمال رسانیدند. تا این‌که در اخیر سده‌ی نوزدهم ماشین‌های بافت اتوماتیزه شد و در نیمه‌ی سده بیستم دانش‌مند ایتالیایی بنام جیتلینی دست‌گاه پیش‌رفته و مدرن نساجی را بکار انداخت و با گسترش نفوس و پیش‌رفت‌های علمی و فنی بافندگی در سراسر جهان گسترش یافت.

فابریکه نساجی گل‌بهار یکی از بزرگترین و نخستین فابریکات مدرن نساجی در نوع خود در کشور و منطقه بود که در سال ۱۳۳۲ در مساحت ۴۱۸۰ جریب زمین در افغانستان بنیان‌گذاری شد و در سال ۱۳۳۹ به فعالیت آغاز کرد.

در آن زمان جریان به گونه‌ای بود که ساحه‌ی وسیعی را برای طرح احداث این فابریکه که دشت شیرخان‌خیل را از دریای پنجشیر تا کوه سنجن و از چشمه الله داد خان کوه بچه و قلعه حضرت صاحب در بر می‌گرفت با پایه‌های سنگی کم ارتفاع و سفید کاری شده با چونه که ساحه نساجی را از ساحه‌ی همجوار آن جدا می‌ساخت در نظر گرفته بودند. در نقطه‌ی وسط دشت، مربع بزرگ ساختمانی فابریکه در نظر گرفته شده بود، در مقابل آن عمارت مدرن و قشنگ شامل شفاخانه عصری مجهز با وسایل طبی ساخت المان، مهمان‌خانه مدرن و مجهز، سالون کنفرانس، مسجد بزرگ، گل‌خانه و خانه‌های بود و باش برای آمرین بنا شده بود. در قسمت شمال فابریکه مجتمع ساختمانی وسیع بنام شش‌صد کوتی به منظور ره‌ایش کارمندان و انجیران فابریکه آباد شده بود که گنجایش شش‌صد خانواده را داشت. پیرامون فابریکه را درختان زینتی و ثمردار پوشانیده بود. در میان ساحات فابریکه سرک اسفالت و ریگی به‌شکل عصری

کشیده شده بود که درختان کاج و سنوبر آن را سایبانی می‌کرد. در آن سوی ساحه وسیع، مکاتب لیسه دختران و پسران، کودکستان و شیر خوارگاه، پارک تفریحی و سپورتی، گلخانه بزرگ و گلشن‌سرا و دل‌آرا، قلب هر انسان را به سوی خود می‌کشید.

طبیعت زیبا، نیروی فراوان بشری، موقعیت صحرای وسیع و هموار در میان کوه‌های سر به فلک کشیده کوهستان و گل‌بهار مشرف به دریای پنجشیر دشت شیرخان خیل را برای احداث یک دست‌گاه بزرگ تولیدی مساعد می‌ساخت، از طرفی تمدید لین برق از سروبی و اختصاص ۱۵ هزار ولت برق آن به نساجی، فراهم بودن مواد اولیه و مواد خام ساختمانی از قبیل سنگ و جغل و چونه و آب و سمنت جبل السراج، کار احداث را آسان می‌ساخت، گذشته از آن فراورده‌های فراوان پنبه قطع‌ن‌زمین و ذغال سنگ، انگیزه‌ای ساخت این مؤسسه را حتمی کرده بود.

سزاوار یادآوری است که در افغانستان کار ساخت نخستین فابریکه نساجی، نساجی گل‌بهار، یعنی سنگ تهادب نساجی گل‌بهار در سال ۱۳۳۷ به پیش‌نهاد عبدالمجید زابلی و پایه‌گذاری سید امان الدین امین در زمان صدارت شاه محمود خان با سرمایه مختلط (دولتی و خصوصی) گذاشته شد. فابریکه نساجی گل‌بهار به سرمایه مختلط دولتی و خصوصی با شرکت عبدالمجید زابلی (بنیان‌گذار و بانی اقتصاد افغانستان که بسیاری از فابریکات و تأسیسات اقتصادی افغانستان از جمله فابریکه نساجی گل‌بهار به ابتکار، سهم و سرمایه‌گذاری ایشان تأسیس یافته است. عبدالمجید زابلی از تأسیس بانک ملی در ۹ ثور ۱۳۱۲/۱۹۳۳ تا تأسیس بانک مرکزی افغانستان در سال ۱۳۱۸/۱۹۳۹ ریاست بانک ملی را به عهده داشت، بانکی که بر مقدرات اقتصاد افغانستان حاکم بود و سیاست اقتصادی کشور را سمت و سو می‌داد) و کمک‌های تکنیکی کشور آلمان در دشت شیرخان خیل و لسوالی کوهستان ولایت کاپیسا بنا نهاده شد.

در این تأسیسات هزاران نفر از اقوام افغانستان شامل کارگران، انجیزان، متخصصان، طبیبان، تاجران و بازرگانان، کارگران معادن، پخته‌کاران و فروشندگان و... به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم و همین‌گونه متخصصان خارجی مشغول کار بودند، از معاش و تأمینات آن بهره‌مند می‌شدند. تولیدات این فابریکه که سالانه به میلیون‌ها متر پارچه شامل مفروشات، کمپل، پارچه‌های دریشی، پارچه باب نفیس و مرغوب پشمی، نخی و ابریشمی بود، سورت اول آن به کشور آلمان صادر می‌شد و قسمت دیگر از پارچه/تکه‌های تولیدی آن بنام نساجی افغان در بازار داخلی بفروش می‌رسید. گرچه ظرفیت نهایی آن ۱۰۰ میلیون متر پارچه/تکه در سال بود ولی هیچ‌گاه به ظرفیت نهایی خود نرسید و تا نزدیک به ۷۵ میلیون متر پارچه/تکه در سال تولید می‌کرد و بیش از ۱۲۰۰۰ تن گارگر داشت. تا سال ۱۳۶۸ فعال بود و ماشین‌آلات آن هنوز دست نخورده مانده بود و معاش کارگران و کارمندان فابریکه را دولت وقت می‌پرداخت.

قرار آمار و تخمین همان وقت، بیش از ۱۲۰۰۰ هزار کارگر در دو وقت کاری؛ ۱۵۰۰ تن مامور و اجیر؛ ۴۵۰ تن انجیز و میخانیک، ۱۲۰۰ نفر کارگر نقلیه و اکمالات، ۲۰۰ تن دست‌گاه برق؛ ۱۵۰ تن کارگر استخراج ذغال سنگ و مواد سوخت؛ ۵۰۰ تن کارگر خدمات لوژیستیک؛ ۵۰۰ تن کارگر خدمات اعاشوی؛ ۱۳۰۰ تن کارگر مسلکی ترمیمات در ورکشاپ‌ها؛ ۲۵۰۰ نفر کارگر ساختمانی، ۲۳۰۰ تن پرسونل اکمالاتی؛ ۲۶۳ تن طبیب و کارمند خدمات بهداشتی؛ ۷۰۰ تن باغبان و عمله زیست محیطی؛ ۱۶۵ تن معلم و پرسونل خدمات فرهنگی؛ نزدیک به ۲۰۰۰۰ تن پخته‌کار و تهیه‌کننده‌گان پشم و دیگر مواد خام، در حدود ۱۰۰۰۰ تن کشاورزان گندم، برنج، گیاهان روغن‌دار، سایر حبوبات، و تهیه‌کنندگان گوشت و لبنیات در شمال کشور برای دست‌گاه نساجی، حدود ۴۰۰۰۰ تن دکان‌دار، بازرگان، فروشنده ثابت و سیار در شهرها و محلات که در کل نزدیک به یک صد هزار تن از شهروندان کشور در داخل دست‌گاه و به گونه‌ای در رابطه به آن مشغول کار بودند. اگر هر نفر کارگر و کارمند دارای ۵ تن عضو خانواده باشند، در واقع آسایش و معیشت ۵ صد هزار نفر هم‌میهنان ما از برکت چرخش این فابریکه بزرگ فراهم می‌شد.

نقش دیگر این فابریکه در دیگرگونی وضعیت اجتماعی و شعور سیاسی منطقه به ویژه کارگران داشت، چنان‌که کارگران این نهاد از روحیه همبستگی بیشتر و فرهنگ کار در زیر یک سقف با روحیه دوستی، اتحاد برای دفاع از حقوق عادلانه، مصونیت کار، افزودی معاشات، کاهش ساعات کار، حق تفریح و تأمینات مطلوب بهداشتی و غیره برخوردار بودند.

سرگذشت (از تأسیس تا امروز)

چنان‌که اشاره شد، فابریکه نساجی گل‌بهار از زمان فعالیت بکار تا سال ۱۳۵۷ دوازده هزار کارگر داشت که ۶ هزار در روز و ۶ هزار در شب با استفاده از ۲۷۰۰ پایه ماشین در بخش‌های نخ‌تابی، کمپل‌بافی، سطرنجی، رنگ‌آمیزی، بافت و ورکشاپ تکنیکی در آن کار می‌کرد. تولید روزانه فابریکه نساجی گل‌بهار در زمان فعالیتش ۱۸۰ هزار متر پارچه و تولید سالانه در حدود ۲۲۰۰۰۰۰ متر پارچه‌های گونه‌گون گفته شده است. این فابریکه تا آن زمان بیش از ۴۰ نوع پارچه‌ی با کیفیت را تولید و بخشی از آن‌را به بیرون صادر می‌کرد.

به نقل از عبدالوکیل کوچی: " در سال ۱۳۶۸ کاپیسا را بنام ولایت صلح اعلان شد. هم‌زمان واحدهای حزبی و دولتی و نیروهای امنیتی را به شهر جبل السراج وضع الجھش دادند. فابریکه نساجی به‌دست حزب اسلامی افتید. در نخستین روز تصرف قرارگاه ولایت کاپیسا، عمل‌کرد آن‌ها با دست‌گاه نساجی گل‌بهار همانند یک کشور مفتوحه صورت گرفت. چنان‌که در گام نخست دروازه فابریکه بروی کارگران بسته شد. هم‌زمان به فابریکه پورش برده شد و زیان‌های فراوانی به فابریکه رسانده شده. علاوه بر سقوط کامل فابریکه، روز تا روز دست‌گاه از چهار سو زیر رگ‌بار مسلسل‌ها قرار گرفت که در نتیجه آن خون صدها کارگر به زمین ریخت، ولی باز هم کارگران تلاش می‌کردند تا چرخ‌های ماشین‌ها را بگردانند. در نهایت بزرگ‌ترین و مدرن‌ترین فابریکه به ساحه‌ی متروکه مبدل گردید (نقل به اختصار از متن).

با آمدن تحولات سیاسی و حکومت مجاهدین (دولت اسلامی افغانستان) سراسر افغانستان دست‌خوش جنگ‌های تنظیمی و طالبی شد. با روی‌کار آمدن دوره انتقالی، حکومت مؤقت، دموکراسی و به اصطلاح دولت انتخابی، بیست سال سرا زیر شدن میلیارد‌ها دالر کمک بین‌المللی و درآمد داخلی و فرصت زمانی بسنده نتوانستند، فابریکه گل‌بهار را بازسازی کنند.

توصیف و تبیین وضع موجود فابریکه نساجی گل‌بهار (تحلیل اثباتی و نگرش مثبت positive attitude).

برای بیان وضع موجود فابریکه نیازی نیست اندیشه را در دلان‌های تاریک بگردانیم، تنها مشاهده‌ی سیما و ظاهر آن بسنده است که وضع را توصیف و بازتاب دهد.

آگاهان امور، کارشناسان و آشنایان به رونق کاری، ظرفیت و اهمیت تولیدی و اقتصادی این دست‌گاه بزرگ ملی بی‌گمان با دیدن سیمای آن به این نتیجه‌گیری و داوری می‌رسند که وضعیت موجود فابریکه نساجی گل‌بهار اسفبار، ناگوار، دردناک و شرم‌آور است.

بادریغ در نتیجه جنگ‌ها و ناامنی‌های برخاسته از آن، بی‌تفاوتی و فساد حکومت دو دهه‌ی گذشته (دوره‌ی آقای کرزی و آقای احمدزی)، از ۳۵ سال پیش فابریکه نه تنها تدریجی از فعالیت بازمانده که ماشین‌الات، تأسیسات آن تا حد بسیار تخریب، استهلاک و سوی استفاده قرار گرفته؛ زمین‌ها و خانه‌های رهائشی آن در شش‌صدکوتی مورد بهره‌برداری افراد، گدام‌ها، تفریح‌گاه‌ها، باغ‌ها و دیگر تأسیسات و امکانات آن نیز زیان فراوان دیده اند. این درحالی‌ست که فابریکه نساجی گل‌بهار زمانی به حیث سرمایه‌ی ملی، از افتخارات افغانستان بشمار می‌رفت که با دریغ، اکنون به مخروبه‌ای مبدل شده است.

نگرش ارزشی (Normative attitude)

تحمل زیان، متروک و بی‌سرنوشت گذاشتن چنین امکانات، ظرفیت و سرمایه‌ی ملی از رهگذر اقتصادی و راهبردی، نه کمکاری که گناه نابخشوندی برای مسؤولان حکومت محلی و حکومت مرکزی می‌باشد.

منافع ملی و نیاز توسعه اقتصادی در زمینه‌ی توسعه صنایع (سبک) حکم می‌کند تا به امکانات احیا، بازسازی، نوسازی یا تغییر شکل فعالیت این ظرفیت ملی اندیشه شود. هر گاه چنین شود از ضرورت فضیلت ساخته خواهد شد.

این ضرورت را نه تنها کارشناسان که کارگران پیشین و باشندگان کاپیسا نیز درک کرده و می‌کنند. چنان‌که در گفت‌وگوهای فصل‌الحق مدیر تعمیرات، غلام دستگیر و محمد عباس کارمندان سابقه دار نساجی و داکتر فاروق باشندهی محل، نیازمندی و امیدواری به فعال سازی دوباره این نهاد ابراز شده و فعالیت دوباره این نهاد در زندگی مردم اثربخش خوانده شده است.

البته سه سال پیش در یک حرکت نمایی در دوران حکومت اشرف غنی احمدزی گفته شد که پارک صنعتی گل‌بهار در گستره فابریکه نساجی گل‌بهار ساخته خواهد شد و هم‌زمان با این کار ساخت یک کارخانه بزرگ پایپ سازی با هزینه‌ای ۱۸ میلیون دالر نیز در این پارک صنعتی آغاز شده است. شاد محمد مشاور ارشد رئیس‌جمهور در امور زیربناها در حضور والی ولایت، رئیس فابریکه و نمایندگان مردم در شورای ملی و شورای ولایتی و متنفذین محل در مورد پارک صنعتی گل‌بهار گفت: "در نخستین گام قرار است یک کارخانه‌ای پایپ سازی در این پارک ساخته شود. دو سرمایه‌گذار، یکی (اوزبیکستانی) در بخش تولید پایپ لاین و دیگری در بخش خیاطی/دوزندهگی لباس برای نیروهای پولیس افغانستان سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما به گفته‌ی رئیس آن وقت فابریکه عبدالرازق رحمانی، صدای آن به بهانه‌ای و ایرس کرونا خاموش شد و تا کنون اقدامات عملی در این راستا انجام نشده است.



در این اواخر در حکومت طالبان، مسؤلان محلی کاپیسا در پیوند به فعالیت دوباره آن به مردم اطمینان می‌دهند. (قاری احسان الله بریال والی و روح الله ساحل رئیس فابریکه نساجی گل‌بهار ۷ ماه پیش هنگام دیدار از فابریکه از وعده مقامات در احیای بخش‌های اصلی و اساسی قابل دسترس گفته‌اند).

سزاوار یادآوری است که روی‌کرد حکومت در جریان بیش از سه دهه (دولت اسلامی، امارت نخست طالبان، جمهوریت آقایان: کرزی و احمدزی و امارت دوم طالبان) در پیوند به این نهاد تولیدی، اقتصادی و ملی دل‌سوزانه، ملی و اجرایی نبوده است. در دوره‌های دولت اسلامی به رهبری استاد ربانی و امارت نخست طالبان به دلیل درگیری‌های تنظیمی و جنگ؛ در دوره جمهوریت بنابر نبود دیدگاه ملی و سیاست متوازن توسعه اقتصادی، رجحات سیاسی و فساد گسترده‌ی مالی و اداری، کج‌فهمی از نظام اقتصادبازار، نبود سیاست اقتصادی و صنعتی، بی‌پروایی در برابر مالکیت و تصدی‌های دولتی و شرکت‌های مختلط؛ در دو سال امارت دوم طالبان به علت نبود مشروعیت داخلی و بین‌المللی، رجحانات سیاسی، گروهی و اولویت‌های نظامی، نبود قانون اساسی، معلق و بی‌اعتبار شدن شماری از قوانین نافذ گذشته و به اثر آن نبود مصئونیت سرمایه‌گذاری، نبود سیاست اقتصادی و صنعتی سبب شده تا توجه به تعیین سرنویشت فابریکه نساجی گل‌بهار نشود.

درحالی‌که موجودیت فرصت زمانی دوده، سرازیر شدن ده‌ها ملیارد دالر کمک جامعه جهانی و درآمد داخلی در دوره‌ی جمهوریت، بهترین زمان مناسب برای اندیشه و گنیش در مورد احیاء، بازسازی، نوسازی یا تغییر شکل فعالیت در بستر و گستره‌ی این نهاد بود که انجام می‌شد و امروز مردم بجای گستره‌ی ویران، مخروبه و متروک، شاهد آبادی، رونق و جوش و خروش مردم در سطح منطقه و کشور می‌بود.

امروز هم اگر طالبان بتوانند فرایند سیاسی را برای شکل‌گیری یک دولت مشروع برخاسته از اراده‌ی مردم شکل دهند، بی‌گمان زمینه برای همبستگی و مشارکت مردم، اعتماد سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری و توجه جامعه‌ی بین‌المللی برای همکاری و ارائه کمک فراهم خواهد شد. در چنین اوضاع فرصت بهتر نه تنها برای تعیین سرنویشت فابریکه نساجی گل‌بهار که برای توسعه‌ی اقتصادی کشور فراهم می‌شود. البته تا آن وقت، ضرور است که از اتلاف، استفاده‌ی بی‌رویه و دست‌اندازی به این سرمایه‌ی ملی جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

نگاه گذرا به وضعیت اقتصادی چهار دهه پیش افغانستان به وضاحت نشان می‌دهد که افغانستان داشت به‌سوی خودبسنده‌گی راه می‌پیمود. با مراجعه به شاخص‌های سال ۱۳۵۷ در می‌یابیم که دست‌کم افغانستان توانسته بود از رهگذری تولید غله به خود بسنده‌گی برسد و هم‌زمان مقدار چشم‌گیری میوه‌جات را به کشورهای همسایه نیز صادر کند. امیدواری آن وجود داشت که آرام‌آرام تولیدات داخلی افزایش یافته تا اندازه‌ی چشم‌گیر از واردات کالاهای مشابه پیش‌گیری شود. در تولید کالاهای مورد نیاز داخلی نقش فابریکات همان دوره گرچه انگشت شمار بودند چشم‌گیر بود. بویژه در بخش تولید پارچه/تکه، که شاید چیزی بیش از نیمی از نیازمندی مردم را برطرف می‌کرد. از جمله فابریکه‌های بزرگ نقش نساجی گل‌بهار، بگرامی، گذرگاه، پلخمری، هرات... سزاوار یادآوری‌ست. شماری هم در پارک‌های صنعتی شهر کابل فعالیت داشتند. به بیان دیگر، فابریکات موجود در افغانستان در سال ۱۳۶۷ به بیش از ۸۰ باب می‌رسید که بشمول جنگلک، خانه‌سازی، حجاری و نجاری صنایع تجارتي، چوب‌کنر، میوه و پشمینه بافی کندهار، فابریکات سمنت جبل‌السراج، غوری، هرات و غیره از ۱۰ الی ۱۰۰۰۰ تن کارگر داشتند.

همین‌گونه فابریکه سپین زر کندز با نمایندگی‌هایی در بسیاری از بخش‌هایی از ولایات صفحات شمال کشور و گود برق مزارشریف، قند بغلان و برخی دیگر فعال بودند. در کل در جهت پیشرفت اقتصادی و بلند بردن سطح زندگی مردم و ذخیره ارز کمک می‌کردند.

فابریکات افغانستان با وجود محدود بودن باز هم توانسته بودند تعداد چشم‌گیر مردم ما را بکار مشغول، بخشی از نیازمندی مردم را به کالاهای برطرف، تا اندازه‌ی از فرار ارز جلوگیری کنند.

گرچه شاید بیش از سه دهه است که شماری از این تأسیسات در گردش نبوده و هم ماشین‌آلات شماری ازین فابریکات بنام فلز در داخل و به کشورهای دیگر فروخته شده باشند، یا با تغییر شکل شخصیت حقوقی در نتیجه‌ی خصوصی سازی بی‌رویه روبرو شده باشند، اما هستند شماری از فابریکات که یا دست‌ناخورده مانده یا اگر ضایعاتی هم داده اند بسیار اندک است که امکان احیا، بازسازی، نوسازی و تغییر شکل فعالیت شان وجود دارد. از جمله نساجی گل‌بهار که بزرگترین فابریکه در نوع خود در افغانستان بود. تا جایی‌که اطلاع موثق وجود دارد، اکثر ماشین‌آلات، شاپ‌ها و وسایل آن بگلی موجود است تا جایی‌که حتی در گدام‌های آن مقداری ملحوج (پنبه جدا شده از دانه) نیز موجود بود که به ابتکار رئیس آن فابریکه از آن‌ها لحاف و دوشک ساخته شده، به بازار عرضه گردیده. هم با استفاده از ورکشاپ مجهز آن وسایل فلزی ساخته شده و بفروش می‌رسد. که بخشی از نیازمندی مردم و مخارج نگهداری فابریکه با آن تأمین گردیده. البته فعالیت‌های یاد شده گرچه از نگاه کمیت زیاد نبوده، ولی با آن هم کاری‌ست مورد ستایش، زیرا از هیچ نکردن و دست‌زیر الاشه نشستن صد بار بهتر است. تلاش‌ها و وعده‌های داده شده در پیوند به فعال سازی فابریکه در دوره‌ی غنی در حد تلاش و شعار و وعده‌های کنونی طالبان هم در حد وعده است.

بنابراین در کل، کارهای جدی و عملی در راستای رسیدگی به سرنوشت فابریکه نساجی گل‌بهار به حیث سرمایه‌ی ملی و ظرفیت بالقوه‌ای تولید و اقتصادی انجام نشده است. در حالی‌که فرصت، منابع و امکانات و گستره‌ای بسنده برای نجات، احیا، بازسازی، نوسازی و تغییر شکل فعالیت این نهاد موجود بود اما نبود احساس مسؤلیت و دیدگاه ملی؛ نبود سیاست اقتصادی حاوی سیاست صنعتی؛ موجودیت فساد مالی و اداری، ترجیحات سلیقه‌ی و سیاسی تا اکنون دست‌به‌دست هم داده که به سرنوشت این نهاد با اهمیت توجه نشود.

البته در این کمبود، کم‌توجهی و مسؤلیت‌نشناسی مقامات محلی (والی، شورای ولایتی، شوراهای روستا و متنفذین ولایت) و نمایندگان مردم در شورای ملی نیز نقش داشته است. چون مقامات محلی و نمایندگان مردم در شورای ملی کمتر ژرف‌اندیش و دوراندیش بودند. در نتیجه، بیش‌تر دیده شده که پیش از آن‌که به منافع مردم، محل، ولایت و کشور باندیشند، به منافع خود تمرکز داشته‌اند. حتی نتوانستند یک تناسب و هماهنگی قابل پذیرش را میان منافع عمومی و منافع شخصی برقرار کنند. در کل این عوامل سبب شده که فابریکه نساجی گل‌بهار و تأسیسات آن به حالت بی‌سرنوشتی بسر ببرد.

این در حالی‌ست که افغانستان کشوری‌ست توسعه نیافته و نیازمند شدید به توسعه! توسعه‌ای آن در کنار موجودیت دیگر عوامل به صنعتی شدن کشور بستگی دارد؛ صنعتی شدن آن در نوبت خود در برگیرنده‌ای موجودیت و توسعه‌ی صنایع سبک می‌باشد، چنان‌که صنایع نساجی بخش عمده‌ای صنایع سبک می‌باشد. صنعت به‌صورت عموم به سه بخش

تقسیم می‌شود: صنایع دستی، صنایع سبک و صنایع سنگین. هر چند با دیجیتالی شدن روند توسعه، صنایع نیز پیچیده تر شده می‌رود.

این نکته را نگفته نگذاریم که صنایع در روند توسعه خود از سه مرحله گذر کرده است: همکاری عادی (Simple Cooperation)؛ کارخانه‌یی (Manufacture) و فابریکاتی کارخانه‌یی (Factory Production) می‌باشد.

پس نیازمندی افغانستان به توسعه اقتصادی و توسعه‌ای صنعتی در گُل، امری است حتمی. اجرا و تحقق توسعه‌ی صنعتی بستگی به توسعه‌ی صنایع سبک از جمله صنایع نساجی و بافنده‌گی دارد. موجودیت ظرفیت تولیدی، گستره و ظرفیت بالفعل و بالقوه، تأسیسات اساسی و ضروری، موجودیت مواد خام محلی و داخلی، نیروی بسنده‌ای بشری در محل، نیاز به تعادل بلنس تجارت (کاهش واردات و افزایش صادرات، رونق بازار داخلی از حساب تولیدات داخلی و...)، این اولویت را توجیه می‌کند و حکومت و مقامات محلی، نمایندگان مردم و متنفذین محل را ملزم به توجه جدی به این سرمایه‌ی ارزشمند ملی می‌گرداند.

پیش‌نهاد و توصیه اقتصادی

۱. نیازمندی توسعه، منافع ملی و راهبردی ایجاب می‌کند تا هر چه زودتر به تعیین سرنوشت این نهاد ملی توجه شود؛
۲. نجات، احیا، بازسازی، نوسازی یا تغییر شکل فعالیت فابریکه نساجی گل‌بهار در کنار کمک به توسعه صنعتی و اقتصادی، سبب احیای فرهنگ گذشته‌ی صنعتی و در نتیجه احیای غرور همگانی (ملی) می‌گردد؛
۳. فعال سازی این ظرفیت (به هر شکلی و ماهیتی) روحیه‌ی همبستگی میان مردمان ساکن در ولایت کاپیسا و همجوار آن و مردمان کشور می‌شود،
۴. فعال سازی این نهاد زمینه‌ای پیوند بخش‌های زراعت، دامداری، باغداری، صنعت و گردشگری را فراهم می‌کند و زنجیره‌ای ارزش و درآمد را در سطح فردی و اجتماع و دولت مهیا می‌سازد؛
۵. فعال سازی فابریکه نساجی گل‌بهار زمینه‌ای اشتغال را در ولایت و کشور بالا برده، جلو مهاجرت جوانان و نیروی کار را به شهرهای بزرگ و بیرون از کشور می‌گیرد؛
۶. زمینه‌ای جلب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و بیرونی را فراهم می‌کند؛
۷. به بازگشت مهاجران افغانستانی و سرمایه‌های شان کمک می‌کند؛
۸. بازار فروش برای فرآورده‌های باشندگان کاپیسا فراهم می‌کند؛
۹. به بلند رفتن ارزش زمین، جایداد و موقعیت جغرافیایی ولایت کمک می‌کند؛
۱۰. پایین بودن مزد کار، ارزان بودن موادخام و هزینه انتقالات سبب کاهش قیمت تمام شد تولیدات فابریکه نساجی گل‌بهار شده، قابلیت رقابتی آن را در بازار داخلی و خارجی تضمین می‌کند؛
۱۱. در نهایت اثر مثبت بر روان و جسم و زندگی مردم محل، لایات همجوار و در گُل کشور می‌گذارد.

سخن آخر

رسیدن به خود بسنده‌گی، استقلال اقتصادی، منافع راهبردی حکم می‌کند که از این سرمایه ملی و سرمایه‌های همگون استفاده‌ی درست، کارا، اثربخش و راهبردی شود. نیاز اشد به کالای‌های نساجی، نخی، پشمی، ابریشمی در بازار داخلی که هم‌اکنون از بیرون وارد می‌شود و ذخیره‌ای ارزی کشور را می‌بلعد و سبب کسری در بلنس تجارت و بی‌ثباتی ارزش پول ملی افغانستان می‌شود از یک‌سو و موجودیت مواد خام فرابسندده‌ی محلی و داخلی چون: پنبه،

پشم، ابریشم، ذغال سنگ، نیروی بشری ارزان و... از سوی دیگر، احیا، بازسازی، نوسازی یا تغییر شکل فعالیت این نهاد را توجیه و در اولویت اقتصادی و راهبردی قرار می‌دهد..

پس وظیفه هر شهروند مسؤول از فرد عادی آغاز تا کارشناس و دانش‌مند و... شاغل در بخش خصوصی و دولتی، افغانستانی‌های مهاجر در بیرون است که در زمینه‌سازی فعال سازی نساجی گل‌بهار یا دست‌کم استفاده اثربخش و بهین از تأسیسات آن، سهم میهنی، وجدانی، دانشی، تخصصی و وظیفه‌ی خویش را ادا کنند.

من این دیدگاه و تحلیل را بر اساس مسؤولیت فردی، دانش تخصصی، مهارت، وجدان انسانی، پای‌بندی به اصول اخلاق، عشق و دل‌سوزی به کشورم ابراز کردم. تا اگر انگیزه‌ای شود در تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران اقتصادی در راستای رشد، توسعه، رفاه و ثبات افغانستان!

دکتر دستگیر "رضایی"

دکتر اقتصاد، پژوهش‌گر مسائل اقتصادی و کارشناس در امور برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی.

۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳ / ۶ میزان ۱۴۰۲.

سرچشمه‌ها

۱. رضایی دستگیر، "چارچوب نظری توسعه‌ی اقتصادی افغانستان" شاهنامه، می ۲۰۲۳.
۲. رضایی دستگیر، "گزیده‌ی مقالات و طرح‌های اقتصادی" انتشارات شاهنامه، جون ۲۰۲۲.
- مقالات: ۱. نگاهی پیرامون آغاز فعالیت‌های بانکی و انباشت سرمایه در افغانستان؛ ۲. ضرورت پشتی‌بانی صنایع در افغانستان (به ویژه نساجی...); ۳. تأخیر و غیابت ده سال سیاست در حمایت از صنایع ملی افغانستان.
۳. رضایی دستگیر، "نگاهی به سرمایه داری دولتی (سده بیستم) و سرمایه داری (سده بیست و یکم) در افغانستان"، انتشارات کابلستان، بهار ۱۴۰۰.
۴. اندیش اسلام الدین، "چرا فابریکه نساجی گل‌بهار دوباره سازی نمی‌شود"، ۲۰ فیبروری ۲۰۰۹.
- <https://www.kohistani.com/.../why-not-rebuild-gulbahar.../>
۵. کوچی عبدالوکیل، "سرنوشت شرکت نساجی گل‌بهار..."، ۱ می ۲۰۱۶.
- <http://www.esalat.org/.../nesaji-gulbahar-abdul-wakil...>
۶. کوچی عبدالوکیل، "نساجی گل‌بهار در مسیر جنبش کارگری" <http://mashal.org/blog/>
۷. کوچی عبدالوکیل "نساجی گل‌بهار دست‌گاه بی‌نظیر و تاریخی" <https://aw-kouchi.de.tl/>

